

شرق

روزنامه

یکشنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۰ ۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ ۱۰ اکتبر ۲۰۲۱
سال نوزدهم • شماره ۴۱۱۴ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۱ • اذان مغرب ۱۷:۵۴
اذان صبح فردا ۴:۴۴ • طلوع آفتاب ۶:۰۷

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فروا

نور نوشت



اهدای گل به مردم توسط نیروهای پلیس در هفته نیروی انتظامی / عکس: محمدحسن ظریف‌منش، فارس

یاد

با تو روزنامه‌نگار و با لیلی وکیل شدم!

احمد رضا اسعدی‌نژاد ـ وکیل

می‌رسی. سال‌ها بعد در اواخر دوره دانشجویی دوره کارشناسی خیلی اتفاقی با یکی از روزنامه‌های معروف کشور آشنا شدم و بعد از مدتی شروع به یادداشت‌نویسی کردم. کم‌کم هم کار حرفه‌ای و دائمی در تحریریه یکی دیگر از روزنامه‌ها پیدا کردم. هر چند واقعیت‌ها به قشنگی اون چیزی نیست که توی فیلم و سریال‌ها نشون میدن، ولی برای من همون قدر دوست‌داشتنی بود و عاشقش بودم. اما به شخصیت دیگه سریال، «لیلی رشیدی» بود که نقش یک وکیل رو بازی می‌کرد؛ هیچ‌وقت یاد نمی‌ره یک شب وقتی همسرش به خونه آمد، با ذوق و شوق گفت: فرید، امروز اولین پرونده وکالتم رو قبول کردم! وای که چقدر دوست‌داشتنی به نظر می‌رسید.

یادش بخیر بچه‌مدرسه‌ای که بودیم، عاشق این سریال شدم. خیلی از ما باهاش خاطره داریم. اسمش «بدون شرح» بود، ولی به «شهر قشنگ» معروف شد.

خبر فوت فتحعلی اویسی را که شنیدم، خیلی متاثر شدم و در چند لحظه خاطرات کل زندگی‌ام مرور شد. راسته که می‌گن فیلم و سریال‌ها خیلی در شکل‌گیری علایق آدم‌ها تأثیرگذار است. خودم همون زمان عاشق کار روزنامه شدم. بی‌شک بازی فوق‌العاده فتحعلی اویسی بسیار در این عشق تأثیرگذار بود. آرزوم بود روزی توی تحریریه روزنامه کار کنم. اینم راسته که اگر چیزی رو با تمام وجود دوستش داشته باشی و عاشقش بشی، بهش

روایت

میراثی به قدمت شادی

قاسم منصور آل‌کثیر

در بخشی از مراسمات جشن و سرور و برپا می‌شود. این نوع دست‌زدن جنوبی‌ها از اهواز تا بوشهر و قشم امتداد دارد. در قشم به آن «چاگه» می‌گویند و در بوشهر نیز در خیامی‌خوانی‌ها این نوع دست‌زدن‌های منظم و با ریتمی خاص که به آن «یشکن» هم می‌گویند، همواره وجود داشته است. دست‌زدن در میانه یک قطعه موسیقی تنها در موسیقی‌های مردمی رواج دارد و در نوع کلاسیک و... دست‌زدن در میان با وسط یک موسیقی به‌هیچ‌وجه اجرا نمی‌شود. در قطعات موسیقی محلی و مردمی در یک لحظه با دست‌زدن‌های ریتمیک، گویی مخاطب جزئی از گروه موسیقی و در مقام یک نوازنده برمی‌آید. لحظه‌ای که تعداد زیادی از مخاطبان، همراه با نوازندگان، با دست‌زدن‌های منظم خود، بخشی از موسیقی می‌شوند که کارشناسان از آن به‌عنوان رقص موسیقی نیز یاد می‌کنند. درواقع، دست‌زدن‌های ریتمیک مرز بین گروه نوازندگان و مخاطب را کم‌رنگ و حذف

هفته گذشته «دکتر علویان»، رئیس جدید نظام پزشکی تهران، «روازده»، یکی از معروف‌ترین طبیبان به‌اصطلاح سنتی را که باوجود داشتن شماره نظام پزشکی، عجیب‌ترین اظهارنظرها را منتشر می‌کند، طی فرمانی به اتهام تخریب اذهان عمومی و سنگ‌اندازی در درمان کرونا به دادستانی نظام‌پزشکی احضار کرد. این رفتار قانونی ساده اما مغفول‌مانده قدم‌گذاشتن در راهی صحیح در دفاع از علقانیات در کار طب محسوب می‌شود و تا همین جا مورد تحسین و تشکر است. پیش‌تر هم چنین احضارها و شکایاتی صورت می‌گرفت، حتی برای روزاذه احکامی هم صادر شده است اما گویا اهمیت نمادین این پیگرد به‌درستی شناخته‌شده نبود، موضوع انعکاس زیادی پیدا نمی‌کرد و تبلیغاتی صورت نمی‌گرفت. این‌بار اما با انتشار گسترده این فرمان به نظر می‌رسد اهمیت موضوع از این زاویه هم درک شده باشد، با این امید که انتشار گسترده‌تر اخبار پرورنده و محکومیت احتمالی و تکرار آن در موارد و مصداق‌های دیگر مؤید این موضوع باشد. هدف اصلی این احضارها و محکومیت‌های احتمالی تنبیه یک طبیب خاطی و پیمان‌شکن نیست بلکه بیش از آن توییر افکار عمومی است. افکار عمومی‌ای که شاهدیم حتی در قشر تحصیلکرده ما هم به‌شدت آلوده به تصورات غیرعقل‌گرایانه در مسائل



بابک زمانی

نورولوژیست

آکادمی

روازاده‌ودیگران

است؛ یعنی چنین احضار و پیگیری‌هایی است که باعث تقویت توان سازمان خواهد بود. اقتدار یک سازمان صنعتی مردمی چیزی نیست که به او ببخشند یا او را از آن محروم کنند؛ نیرویی است که یا در جریان عمل پیدا می‌کند یا با انفعال از دست می‌دهد. به‌علاوه اقتدار معنوی سازمان که در احضار افراد بر اساس شماره نظام پزشکی، یعنی سوگندی که خورده‌اند هم نمود پیدا می‌کند، برای خادمینی که پیمان خدمت بسته‌اند، اهمیت و ابهت اخلاقی اندکی ندارد. پزشکان و جامعه پزشکی مانند یک موجود اخلاقی به تصویری که از آنها در نظرگاه مردم و همکاران پرداخته می‌شود، زنده هستند و چه‌بسا چنین داری اخلاقی تخصصی‌ای مطلوب وجدان‌های بیدار هم باشد. چنین اقتداری می‌تواند نیرویی بارها بیشتر از هر اقتدار قانونی‌ای داشته باشد. اما اقتدار سازمان فقط با پزشکان سروکار ندارد، سازمان نظام پزشکی به‌عنوان مدافع و کلیددار اصلی حریم سلامت در کشور وظیفه دارد از هر غیرپزشکی هم که مرکب گروه‌نو دخت استی و غیرستی در کار پزشکی شده و سلامت عمومی و قداست حرفه پزشکی را خدشه‌دار کرده، به محاکم عمومی بکشاید کند. پشتیبانی عرصه عمومی را خواستار شود و اخبار آن را -به دلایل بیش‌گفته- به‌طورمرتب به اطلاع عموم برساند. جامعه پزشکی و رسانه‌های آن ضمن نقد بی‌تعارف تمام روندهای ناصوابی که در سیستم سلامت مشاهده می‌شود، باید از هرگاه کوچک هم حمایت کرده و به‌طور جدی خواستار ادامه آن شوند؛ بنابراین همه ما بی‌صبرانه منتظر اخبار بیشتر در زمینه پیگرد روزاذه و امتداد آن تا مصداق‌های مهم‌تر هستیم.

دیدگاه

تولدی برای ایرانشهر پر بستر بلاک‌چین!

خدایار سعیدوزیری

در شمال غرب و مناطق کردنشین در کشورهای گوناگون منطقه تداوم یافته و پیوند ساکنان فلات ایران به این طریق همواره محفوظ مانده است. از سوی دیگر پیشرفت روزافزون فناوری همواره بر زندگی اجتماعی تأثیر گذارده و این تأثیر ابعاد مختلفی از زیست اجتماعی از جمله اقتصاد و سیاست را نیز متأثر می‌کند و ایجاد و گسترش اینترنت در سه دهه گذشته این نقش را بیش از هر فناوری دیگری در طول حیات ملت‌ها به منضم ظهور رساند اما همچنان حاکمیت‌های وستفالیایی یا دولت مدرن مذکور در اندیشه غربی توانسته خود را در این فضا نیز حفظ کرده و اقتدار خود را تا حد قابل‌قبولی بر آن مسلط کند و از ظرفیت‌های آن برای ایجاد ارتباطات بین‌المللی و نزدیکی هرچه بیشتر ملل غربی استفاده کند؛ ظرفیتی که از منظر فرامرزی در شرق کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اما در دهه اخیر، فناوری نوینی ظهور کرده که می‌تواند



فصل جدیدی را در وحدت ایرانشهر بگشاید و آن عبارت است از فناوری بلاک‌چین. فناوری بلاک‌چین به دلیل غیرمتمرکزبودن، بدون واسطه بودن، شفافیت و امنیت، تأثیر زیادی بر امکان دوزدن محدودیت‌هایی دارد که مرزها بین اهالی ایرانشهر کشیده است و امکان تجارت و همکاری‌های اقتصادی میان آنان را وری تحریرهای بین‌المللی خود را حفظ نکرد و پس از معاهدات وستفالیایی دیجیتال ایران را برای اتباع سرزمین‌هایی که جزئی از ایران بزرگ فرهنگی هستند، فراهم کرد تا بتوانند بدون حضور فیزیکی با داشتن برگ هویتی دیجیتال ایرانی، به فعالیت اقتصادی در ایران بپردازند و با ایجاد یک رم‌ساز غیرمتمرکز بر بستر بلاک‌چین، امکان پرداخت‌های فرامرزی در سامانه‌ها، قراردادهای الکترونیک و مانند آن را فراهم کند. در حقیقت با این کار ایرانشهر ورای مرزهای جغرافیایی، در فضای مجازی و به صورت ایرانشهر الکترونیک تولدی دوباره با تجربه خواهد کرد که آثار مثبت اقتصادی و فرهنگی آن همه شهروندان ایرانشهر را از آن بهره‌مند خواهد کرد.

تماشاگر-۴

از برلین تا نجف

● رضا صدیق: اولین‌بار که در تصوراتم مهاجرت به نجف جان گرفت، چیزی شبیه فانتزی‌های تاریخی بود. پس از هفت سال کوله‌بدوشی و در مسیر طی طریق کردن و سکن‌گزیدن در برلین و سالی زندگی کردن، دل‌پریده به ایران آمده بودم و کنجی در تهران نشسته بودم. مشغول روزنامه‌نویسی سابق شده بودم و نان و ماستی در عزلت می‌خوردم؛ دل‌زده از هجرت اول و محیط ناهنجار و آدم‌هایش؛ اولی به خاطر فهم تجربی غرب و دومی به دلیل نبود امکان هم‌کلامی با دنیای دیگران، از همکار تا غیر. مثل البتها نگاهم می‌کردند که آخر چرا آلمان را ول کردی و آمدی ایران؟ و هرچه سعی می‌کردم دلیل واقعی را بگویم، نمی‌شد. نه آنها متوجه کلامم می‌شدند و نه من رقم بسط کلامم را داشتم. در چنین حالی، در یک شب جمع‌نشینی، یکی از دوستان رهگذر به مزاح گفت: «باید مثل قدما دیگر برویم و نجف بنشینیم». این جمله ساده که به مزاح گفته شد، بدل شد به مهم‌ترین فکر و ذکر من. تازه در تهران باز کاروبار و زندگی و شغلی دست‌وپا کرده و بعد از سال‌های سال نبودن در فضای مطبوعات، ارتباطاتم را زنده کرده بودم که میل زدن زیر تمامشان جان گرفت. وقتی در جمعی می‌گفتم، می‌خندیدند؛ شاید اگر خودم هم سالیانی در برلین زندگی نکرده بودم و از غرب و فرنگ نبریده بودم، چنین بودم. نمی‌دانم اما ایده جذابی بود. تصویری نجف داشتم. آخرین‌بار در میان رنگ آمریکا و عراق و قاجاقی به آتجا سفر کرده بودم و تصویر دقیقی از آن در ذهنم نبود. شروع به پرس‌وجو کردم که راه اقامت در نجف چیست؟ هیچ‌کس نمی‌دانست. وقتی می‌گویم هیچ‌کس، یعنی به‌واقع حتی فکرش هم به ذهن کسی نرسیده بود که بخواد حتی بداند راه این ماجرا چیست. این پرس‌وجو و فک‌کردن به انجام این کار شاید نزدیک به دو سال طول کشید. تا اینکه شرایط به شکلی شد که ذهنم مرا به قرارگرفتن در مسیرش مجاب کرد؛ چنین که بعد از خواندن سینما و درس‌آموختن فلسفه، وقت آن است که درس دین بخوانی و برو و طلبه‌ای در نجف شو. پس در یک تصمیم، هرچه کار دستم بود تحویل دادم و هرجا که مشغول به کار بودم استعفا دادم و فارغ از همه تعهدات، عزم کردم که ماه مبارک رمضان به نجف بروم و معتکف شوم تا ببینم چه قرار است رقم بخورد. پس چنین کردم و با یک کوله‌پشتی، راهی نجف شدم. این اولین‌بار بود که در نجف می‌نشستم؛ اولین‌باری که قصه تمام زندگی‌ام را متحول کرد.

اتفاق



دلیل میل: جرمی کلارکسون، چهره جنجالی رسانه‌های انگلیسی، به‌عنوان شخصیت سال کشاورزی این کشور انتخاب شد. این‌عنوان از سوی اتحادیه کشاورزی بریتانیا به کلارکسون اهدا شده. او در یک سال گذشته با همکاری شبکه آمازون یک برنامه تلویزیونی به اسم مزرعه کلارکسون را تهیه کرده بود که با استقبال فراوانی همراه شد.



ال‌باس: آکادمی فیلم اسپانیا فیلم «رئیس خوب» ساخته فرناندو لئون دی آرانوا با بازی خاویر باردِم را به‌عنوان نماینده این کشور برای شرکت در بخش اسکار بین‌الملل دوره نودوچهارم معرفی کرد. فیلم «رئیس خوب» در حالی از سوی آکادمی فیلم اسپانیا انتخاب شد که یک رقیب جدی به نام «مادران مشابه» ساخته پدرو آلمودوار داشت.



فرانس ۲۴: دیمیتری مرادوف و یکی از دو برنده جایزه صلح نوبل، جایزه خود را به نویسندگان به‌قتل‌رسیده این روزنامه و نیز زندانی معروف، الکسی ناوالنی اهدا کرد. مرادوف اعلام کرد در برابر تعداد زیادی از روزنامه‌نگاران جان‌باخته و همچنین چهره‌ای چون ناوالنی او شایسته دریافت این جایزه نیست و آن را به آنها تقدیم می‌کند.



روایتی: کیلین مورفی در فیلم جدید نولان، بازیگر نقش رابرت اوپنهایمر دانشمند مطرح آمریکایی شد که او را پدر بمب اتم می‌خوانند. این دو نفر از همکاران قدیمی هستند و در فیلم‌های «بتمن آغاز می‌کند»، «تلقین» و «اندرک» همکاری کرده بودند. نولان اغلب از یک گروه بازیگران مانند تام هاردی، مایکل کین و کریستین بیل در چندین فیلمش استفاده کرده است.

میدل‌ایست پرس: دونالد ترامپ با یک اظهارنظر ژادپرستانه دیگر درباره مهاجران خبرساز شد. رئیس‌جمهور سابق آمریکا مدعی شده است همه مهاجرانی که از هائیتی وارد آمریکا می‌شوند، احتمالاً به بیماری ایدز مبتلا هستند. او پیش از این و در دوران ریاست‌جمهوریش نیز چنین اظهارنظری را درباره مهاجران اهل هائیتی و افغانستان مطرح کرده بود.